مرور

اندر احوال و حکایات فوتبال نصف جهان

سال به سال دریغ از پارسال

با یک حساب سرانگشتی هر آدم اهل منطق و اهل حساب و کتاب متوجه می شود در فصل ۸۵-۸۴ لیگ برتر باشگاه های کشور دو تیم فوتبال مبارکه سپاهان و ذوب آهن جزء پنج و یا شش تیم پرهزینه نسبت به مابقی تیم های حاضر در لیگ برتر کشور بوده اند.

هزینه های این دو تیم در فصل ۸۵-۸۴ و ارقام پرداختی به بازیکنان آنها بابت یک سال حضور در سپاهان و ذوب آهن به گونه ای است که به اعتقاد و باور بسیاری از اهل فن، مبالغ عقد قرارداد ۲ یا ۳ بازیکن یکی از این دو تیم می تواند برابر باشد با کل هزینه های یک ساله تیم هایی مانند ملوان، فجر سپاسی و . . . با این تفاوت که در پایان یک فصل و یا یک سال تیم های ملوان و یا فجر هفت الی هشت بازیکن جوان و آینده دار را نیز تحویل فوتبال این مملکت می دهند ولی دریغ از یک بازیکن جوان در سپاهان و ذوب آهن.

سئوال اینجا است که راندمان و بازدهی هزینه های زیاد این دو تیم (البته نسبت به اکثر تیم های حاضر) در پایان فصل ۸۵-۸۴ می تواند قابل قبول اهل فن باشد یا نه؟

و باز سئوال اینجاست که هزینه های صورت پذیرفته برای این دو تیم با رتبه و مکان به دست آمده توسط آنها در جدول مسابقات متناسب است؟

■سپاهانی ها چه تعریفی از جوان گرایی دارند

سپاهانی ها پس از اینکه به رغم در اختیار داشتن بازیکنان اسم و رسم دار و دانه درشت آن هم به تعداد کافی به نام های آرمناک پطروسیان، محرم نویدکیا، رسول خطیبی، عباس آقایی، محسن بنگر، هادی عقیلی، ادموند بزیک، مهدی سیدصالحی، احمد محمدپور، جلال اکبری، جابا موجیری، رودریگو رجیو و . . . در پایان رقابت ها مکانی بهتر از مکان هفتمی در جدول مسابقات به دست نیاوردند.

سپاهانی ها برای توجیه این مکان غیرقابل قبول و برای انحراف افکار عمومی مسئله جوان گرایی در تیم و استفاده از بازیکنان جوان که ادعا می کردند از تیم دوم آنها به نام سپاهان نوین به تیم اصلی راه یافته اند، را مطرح کردند. آنها در این رابطه مدعی هستند در فصل ۸۵-۸۴ با یک رویکرد جوان گرایانه، تعدادی از بازیکنان جوان خود به نام های محمود منصوری، هادی جعفری، رسول نویدکیا، میثم صالح شوشتری، مجتبی ساعدی و مجتبی نوروزی را از تیم دوم خود که در فصل ۸۴-۸۳ در لیگ دسته سوم کشور حضور داشته را در تیم اصلی به کار گرفته اند.

در اینجا این سئوال مطرح است که مسئولان سپاهان چه تعریفی از بازیکنان جوان ارائه می کنند و اصولاً آنها شرایط سنی یک بازیکن جوان را چه می دانند. آیا محمود منصوری ۲۶ ساله بازیکن جوان است؟ آیا ساعدی، نویدکیا، صالح شوشتری و نوروزی ۲۳ و ۲۴ ساله بازیکنان جوان به حساب می آیند؟ اگر این بازیکنان با این سن و سال جوان شناخته می شوند، حجت چهارمحالی ۱۸ ساله از فولاد و یا نادر احمدی، امید روانخواه و . . . را نمی توان نونهال نامید.

در قوانین و مقررات فدراسیون فوتبال AFC و یا فیفا بازیکن جوان به بازیکنی گفته می شود که زیر ۱۹ سال سن داشته باشد. اگر زیر ۱۹ سال جوان است، پس چرا مسئولان سپاهان ۲۶ ساله ها، ۲۴ و ۲۳ ساله را جوان معرفی می کنند؟ آیا این کار انحراف و فریب افکار عمومی نیست؟

■ذوب آهن و دور شدن از اهداف سه گانه

یکی دو سال قبل بود که در ابتدا مهندس مسعود ابکاء مدیرعامل وقت کارخانه ذوب آهن و رئیس هیات مدیره این باشگاه که حامی اول و آخر کربکندی برای حضور در مسئولیت سرمربی گری این تیم بود اعلام کرد باشگاه ذوب آهن با سه هدف ۱- جوان گرایی ۲- بومی گرایی ۳- رفتن به سمت سکوی قهرمانی فعالیت می کند. سه هدفی که آذری مدیرعامل باشگاه نیز بارها آن را تکرار کرد و عنوان نمود فعالیت های ما در تمامی رشته ها خصوصاً فوتبال در چارچوب همین سه هدف استوار است.

لطفاً به آمار زیر توجه کنید

در فصل ۸۴-۸۳ از جمع ۲۵ بازیکن که برای ذوب آهن به میدان رفته اند، تعداد ۱۴ بازیکن غیراصفهانی و تعداد ۱۰ بازیکن اصفهانی بوده اند. در این فصل میانگین سنی این بازیکنان ۳۷ - ۲۶ سال بوده است. ذوب آهن در این فصل یعنی فصل ۸۴-۸۳ نایب قهرمان لیگ برتر شده است.

اما در فصل ۸۵-۸۴ که یکی دو هفته قبل به پایان رسید و ذوب آهن در چارچوب اهداف سه گانه و از قبل مشخص شده اش می بایست هم جوان تر، هم بومی تر و هم نزدیک تر به قهرمانی نسبت به فصل قبل (۸۴-۸۳) می شد، آیا حقیقت این گونه بود؟ از مجموع ۲۵ بازیکن به میدان رفته ذوب آهن ۱۵ نفر آنها غیراصفهانی بوده اند. به عبارتی ذوب آهن نه تنها بومی گرایی نکرده بلکه نسبت به فصل قبل یک بازیکن غیراصفهانی و غیربومی نیز به آن اضافه شده است. میانگین سنی این تیم ۲۷/۰۴ سال بوده است یعنی در بخش جوان گرایی نیز نه تنها جوان تر نشده بلکه مسن تر نیز شده است. اما در بخش رفتن به سمت و سوی قهرمانی باید گفت ذوب آهن نه تنها نسبت به مقام فصل قبل خود دارای صعود و پیشرفت نبوده بلکه به جای مقام دومی فصل ۸۴-۸۳ در این فصل با چهار پله نزول در مکان ششم جدول جا خوش کرده است.

ذوب آهن در پایان فصل ۸۵-۸۴ در هر سه هدف از قبل تعیین شده خود با یک شکست علنی و شاخص مواجه شده است.

حال باید از مسئولین ذوب آهن و کادر رهبری آن سئوال کرد چه توجیهی در رابطه با این شکست ها دارند. آقایان در یک کلام، ما حق داریم درخصوص فوتبال نصف جهان بگوییم، سال به سال دریغ از پارسال.

آری هان نیکبخت را می خواهد

نه دروازه بان، نه هافبک دفاعی

آری هان را با آن گل تماشایی اش به دینوزوف در جام جهانی ۱۹۷۸ به خاطر می آوریم که به عنوان دومین گل برتر جام های جهانی شناخته می شود. او سه ماه پس از حضورش در ایران اینک به فتح جام حذفی می اندیشد، تا فصل آینده با انگیزه بیشتری در پرسپولیس کار کند. هان البته پس از فینال جام حذفی چندی را در آلمان سپری می کند و سپس به ایران می آید تا تیمش را برای فصل آینده آماده کند. مثل اینکه او با یکی دو شبکه آلمانی و هلندی برای تفسیر بازی های جام جهانی قرارداد بسته و برای همین در طول جام جهانی در آلمان می ماند تا این بازی ها را از نزدیک تماشا کند و برای بینندگان آن دو شبکه از دستاوردهای جام جهانی جدید سخن بگوید و بگوید که فوتبال نوین چگونه است البته پرسپولیسی ها از این غیبت یک ماهه هان چندان نگران نیستند، چرا که او پیش از رفتن تیم خود را می بندد و پس از اینکه برنامه هایش را با تئودور یونگ دستیار تنومندش هماهنگ کرد، به آلمان می رود.

اما مهم ترین چالش هان این است که حالا فقط ده، پانزده درصد از بازیکنان پرسپولیس نظر او را برای فصل بعد به خود جلب کرده اند و سایر بازیکنان جایگاه محکمی ندارند. هر چند به دلیل محدودیت هایی که پرسپولیس از نظر قانونی برای گرفتن بازیکن دارد، قرار نیست بیش از ده بازیکن از این تیم بروند. اما چه کسانی قرار است پرسپولیس ۸۵ را بسازند؟ روزنامه های ورزشی در روزهای اخیر مهدی واعظی، حسین بادامکی، میثم منیعی، ایمان مبعلی، آندرانیک تیموریان، سپهر حیدری، علی سامره، جواد نکونام، رضا عنایتی و سهراب بختیاری زاده را به عنوان بازیکنان مورد نظر آری هان معرفی کرده اند. با این همه از راهروهای باشگاه پرسپولیس خبر می رسد که فهرست منتشر شده در روزنامه ها چندان با نظرات هان تناسبی ندارد. مثلاً او اصلاً دروازه بان نمی خواهد و معتقد است که بهترین دروازه بان ایران حداکثر پنج درصد از فرشید کریمی و محمد محمدی بهتر است یا اینکه به میثم منیعی علاقه ای ندارد. از طرفی شنیده می شود که او با وجود الونگ الونگ اصلاً هافبک دفاعی هم نمی خواهد، پس جواد نکونام و آندرانیک تیموریان هم از فهرست منتشر شده حذف می شوند. اما این همه ماجرا نیست. شنیده می شود که رضا عنایتی ترجیح می دهد سال آینده فوتبالش را در امارات دنبال می کند و ایمان مبعلی علاقه ای به بازگشت دوباره به لیگ برتر ایران ندارد. با این وصف بادامکی، حیدری، سامره و بختیاری زاده چهار بازیکنی هستند که احتمال حضور آنان در پرسپولیس وجود دارد، البته مدیران باشگاه هنوز از به خدمت گرفتن ایمان مبعلی ناامید نشده اند. اما خبر حیرت انگیز از اردوی سرخ ها این است که سرمربی هلندی به شدت علاقه مند است تا علیرضا نیکبخت واحدی را در تیمش داشته باشد. او که معتقد است از مهرزاد معدنچی فقط باید در نقش یک گوش چپ بهره گرفت، به دنبال یک چپ پای درجه یک است و چون به بازی منیعی علاقه ای ندارد، سخت به دنبال نیکبخت است. گفته می شود که او پس از شنیدن خبر مصدومیت نیکبخت از این و آن شرایط چپ پای فوق متخصص فوتبال ایران را پرس وجو می کرده.

در مورد نیکبخت البته چیزهای ضدونقیضی شنیده می شود. بعضی ها می گویند او با استقلال دوساله تمدید کرده و برخی ها هم از مشکلات او با باشگاه آبی سخن می گویند و از این خبر می دهند که می خواهد فصل آینده را در یک باشگاه اروپایی سپری کند. با توجه به همین شایعات است که پرسپولیسی ها امیدوارند تا نیکبخت را به خدمت بگیرند. به موازات نیکبخت ممکن است یک استقلالی دیگر هم پیراهن قرمز را بر تن کند. او علی سامره است که این فصل یکی از گلزنان برتر لیگ امارات بوده. او یک تمام کننده درجه یک است و پرسپولیس می تواند روی او حساب کند، به ویژه اینکه انگیزه فراوانی هم دارد و برای اثبات خویش بازی می کند. یافتن یک مهاجم کامل یکی از پروژه هایی است که هان برای دستیارانش تعریف کرده تا در صورت نیامدن سامره، پرسپولیس از این نظر رودست نخورد.

هان پس از اینکه تیمش را کامل کرد به آلمان می رود تا هم به عنوان کارشناس بازی های جام جهانی فعالیت کند و هم چند پروژه را برای باشگاه پرسپولیس دنبال کند. یکی از این پروژه ها مذاکره با شرکت آدیداس است برای اینکه سال آینده این شرکت یکی از اسپانسرهای اصلی پرسپولیس است و دیگری فراهم آوردن شرایطی برای حضور بارسلونا در ایران. مثل اینکه قرار است هان حین برگزاری بازی های جام جهانی هم با فرانک رایکارد و هم با یوهان کرویف در این باره مذاکره کند. او به خوبی دریافته که برای آوردن بارسلونا به تهران باید نظر کرویف را جلب کند. چرا که بزرگمرد فوتبال هلند، نفوذ فراوانی روی مدیران بارسا دارد و اگر بخواهد به راحتی می تواند، آبی اناری پوشان کاتالونیا را به هر سوی جهان ببرد.

با این وصف از حالا باید ورود ستارگان بارسا را! به انتظار بنشینیم، چرا که هان آنقدر با کرویف و رایکارد دوست هست که اگر بخواهد می تواند بارسا را به ایران بیاورد. درباره هان گفته می شود که در دوران بازیگری اش تنها بازیکنی بوده که جلوی کرویف می ایستاده و برای همین هیچ گاه مربی آژاکس نشده تا از آنجا به تیم های بزرگ اروپایی بپیوندد. او البته تجربه مربیگری در اشتوتگارت و فاینورد را دارد و حتی اشتوتگارت را به فینال جام یوفا هم رسانده، اما پس از اینکه نتوانست چین را در مرحله مقدماتی جام جهانی از گروهش بالا بیاورد، به عنوان یک مربی نه چندان خوب مطرح شد. با این همه او اگر بتواند پرسپولیس را به نشان قهرمانی آسیا برساند همانی می شود که فوتبال ایران مدت ها منتظرش بود؛ یک مربی بزرگ، تاثیر گذار و موفق.

خلاصه مطلب

۱-او اصلاً دروازه بان نمی خواهد و معتقد است که بهترین دروازه بان ایران حداکثر پنج درصد از فرشید کریمی و محمد محمدی بهتر است یا اینکه به میثم منیعی علاقه ای ندارد.

۲-به موازات نیکبخت ممکن است یک استقلالی دیگر هم پیراهن قرمز را بر تن کند. او علی سامره است که این فصل یکی از گلزنان برتر لیگ امارات بوده.

عکس: ایبنا

گفت وگوی برانکو با روزنامه اکیپ

از سیاست حرف نزنید

عکس: فرهاد کاوه، شرق

با نزدیک شدن به جام جهانی رفته رفته پای خبرنگاران خارجی به اردوی تیم ملی باز می شود. بعد از آنکه خبرنگاران بی بی سی و شبکه تلویزیون ملی کرواسی برانکو را سئوال پیچ کردند، نوبت به نشریه فرانسوی مشهور یعنی اکیپ رسید که در کمپ تیم ملی با سرمربی تیم ملی حرف بزند. گفت وگو بیشتر جنبه سیاسی دارد اما برانکو هم کارش را خوب بلد است.

■■■

■اردوی نهایی تیم ملی ایران آغاز شده است. کمی درباره این اردو و شرایط فعلی تیم صحبت کنید.

ما ۱۰ روز است که اردو را شروع کرده ایم. زیباترین قسمت کارمان است. برای این قسمت خیلی زحمت کشیدیم و خواهیم کشید. همه می دانیم که به زودی به بزرگترین نمایشگاه فوتبال خواهیم رفت. من دو دوره قبل با تیم کرواسی ارزش حضور در جام جهانی را درک کردم و چیزهای گرانبهایی به دست آوردم. ما مقابل تیم قهرمان بازی کردیم، جو بسیار عجیبی در آن بازی حاکم بود. اما عاقبت مردان فرانسه خوشحال زمین را ترک کردند.

■من پیش از اینکه به ایران بیایم در آلمان و فرانسه بودم. در این کشورها اول بحث مسائل سیاسی ایران بود بعد به فوتبال می پرداختند.

فکر می کنم فوتبال یک پدیده اجتماعی است که گاهی اوقات با سیاست توام می شود. بازی فرانسه و کرواسی در جام جهانی ۹۸ آنقدر برای شیراک جذاب و مهم بود که او را به ورزشگاه کشاند. فوتبال برای همه یک اتفاق زیبای اجتماعی است. می شود در فوتبال تبلیغات اجتماعی و حتی سیاسی انجام داد. اما مشکل ایران این است که تلاش می کند به هر نحوی سیاست را با فوتبال پیوند دهد. در این راه از هیچ تلاشی دریغ نمی شود. من نمی گویم که ورزش باید از سیاست جدا باشد. ولی بازیکنان من به زیباترین بخش رسیده اند و دوست دارند کاری کنند که مردم لذت ببرند. آنها دوست دارند فرهنگشان را نشان بدهند.

■در فرانسه و آلمان خیلی فضای صلح آمیزی نیست. اما آنها هم بحث تیم ملی فوتبال ایران را با سیاست این کشور جدا می دانند. اما از صحنه های پنالتی زدن آقای احمدی نژاد به میرزاپور این طور برداشت می شود که سیاست می خواهد خودش را با فوتبال یکی نشان دهد.

اینها سئوالات سیاسی است. پاسخ نمی دهم. قاعدتاً همه چیز در خدمت تبلیغات است. نمی شود مردم را از حکومت جدا کرد. تیم ملی تیم ایران، تیم مردم، تیم حکومت، تیم رئیس جمهور و کلاً تیم همه است. همه دوست دارند از کنار تیم ملی بودن لذت ببرند. مگر روسای دیگر کشورها به ورزشگاه نمی آیند؟ آنها هم تیمشان را دوست دارند. شما تاریخ ایران را که نگاه کنید می بینید که هیچ وقت از ورزش استفاده سیاسی نشده است.

■اما این طور احساس می شود که برای ایرانی ها سیاست از فوتبال جلو زده و همه نگاه ها از حالا به ایران است.

نه، در آستانه جام جهانی اتحادیه اروپا یک تیم منتخب درست کرده که رئیس جمهور کرواسی هم قصد دارد در آن تیم بازی کند. فوتبال یک نمایش است، یک نمایش تمام عیار که در آن همه چیز وجود دارد.

■اما وقتی که به آلمان برسید، دیگر فوتبال همه چیز نیست بحث انرژی اتمی هم هست، حرف آقای احمدی نژاد هست و چیزهای دیگر. اینجور بحث ها شما را اذیت نمی کند؟

تعجب می کنم. چرا باید همه روی ایران زوم کنند؟ شعار جام جهانی چیست؟ می دانید؟ «فرصتی برای دوست یابی». اینها واقعاً فرصتی برای دوست یابی است؟!

■به هر حال فشار سیاسی روی ایران زیاد است.

نه آنقدر که شما تصور می کنید و می گویید. این کار شماست. هر کسی توانایی هایی دارد. در هر حال جام جهانی جزیی از عالم ورزش است. یکی می برد و یکی می بازد. این طور نیست که همیشه پیروز باشید. بازیکنان ما همیشه دوست دارند در خدمت تیم باشند و به سیاست کاری ندارند. زیادی سخت می گیرید.

کریمی گزینه اصلی نیست

یک نام بزرگ به جای بالاک

بالاک تنها یک بازی دیگر برای بایرن مونیخ انجام می دهد و از شنبه هفته آینده دیگر او بازیکن بایرن نخواهد بود و به حضور چهار ساله اش در این تیم پایان می دهد. در این چهارساله بالاک ارزشمندترین هافبک بایرن بوده، بازیکن خوش استیلی که با گل هایش به بایرن کمک کرد تا در این چهار سال سه بار قهرمانی را جشن بگیرد.

جدایی بالاک از بایرن اتفاق کوچکی برای بایرن مونیخ محسوب نمی شود. درست است که در هفته های پایانی به دفعات اولی هوینس و فرانتس بکن باوئر از عملکرد کاپیتان تیم ملی آلمان انتقاد کردند و گفتند که بالاک دیگر دلش با تیم نیست و آنطور که باید برای بایرن بازی نمی کند اما خود مدیران بایرن هم به خوبی می دانند بالاک برای آنها یک فوق ستاره بوده و هیچ کدام از هافبک های این تیم در این سال ها در حد بالاک ظاهر نشدند. از شش ماه پیش که جدایی بالاک از بایرن حتمی شد مسئولان این تیم به فکر پیدا کردن جانشینی برای این بازیکن افتادند.

چندین بازیکن مطرح فوتبال اروپا و بوندس لیگا به عنوان نامزدهای اصلی جانشین بالاک معرفی شدند. آخرین آنها مارک فن بومل هلندی بود که اعلام کرد ترجیح می دهد به جای اینکه به بایرن بیاید در بارسا بماند. در این میان این سئوال برای ما پیش آمده آیا علی کریمی می تواند جانشین بالاک باشد و در فصل آینده به جای او به طور ثابت در میانه میدان مونیخی ها هنرنمایی کند؟ در این فصل مهمت شول و کریمی جانشینان بالاک محسوب می شدند و عمدتاً در بازی هایی که بالاک به علت مصدومیت یا محرومیت غیبت داشت از یکی از این دو بازیکن استفاده می شد. کریمی تا قبل از مصدومیت اش حضور پررنگی در ترکیب اصلی بایرن داشت. او در تمامی نقاط میانه میدان به بازی گرفته شد و گزینه اصلی برای جانشینی بالاک در طول نیم فصل اول بود. با این حال نمی توان روی کریمی به عنوان جانشین اصلی بالاک حساب کرد و بعید است که ماگات در فصل آینده کریمی را به عنوان هافبک بازی ساز اصلی خود انتخاب کند. کریمی نزدیک به ۱۲ ، ۱۳ بازی را به علت آسیب دیدگی از دست داد و دوری دو ماهه او از میادین باعث شد که ماگات نتواند به طور کامل کریمی را محک بزند و علی هم بتواند به خوبی توانایی های خود را به بوندس لیگا نشان دهد. کریمی هنوز بازیکن کاملاً شناخته شده ای برای مربیان و دست اندرکاران بایرن نیست و شاید منطقی نباشد آنها یک بازیکن ایرانی را که در این فصل ۲۰ بازی برایشان انجام داده به عنوان هافبک بازی ساز بایرن در نظر بگیرند. به هر حال بایرن قدرت اول فوتبال آلمان، تیمی است که همیشه باید قهرمان آلمان شود و همچنین می خواهد در لیگ قهرمانان اروپا هم یک مدعی باشد و به این دلیل هافبک اصلی این تیم باید بازیکنی در حد بالاک باشد. باید قبول کرد در آلمان کریمی را در حد چنین بازیکنی نمی دانند و بایرن به دنبال این خواهد بود که جانشین بالاک بازیکنی در همین نام و شهرت باشد. یک بازیکن شناخته شده در بوندس لیگا و اروپا. انتخاب کریمی به جای بالاک یک ریسک محسوب می شود و بعید است که بایرن دست به چنین خطر بزرگی بزند. آنها به دنبال این خواهند بود که یک بازیکن بزرگ و امتحان پس داده را به آلیانس آره نا بیاورند و جانشین بالاک کنند. به نظر می رسد پس از اینکه فن بومل جواب منفی به بایرن داد، مارسلینیوی برزیلی گزینه اصلی مونیخی ها محسوب می شود. این هافبک برزیلی چند سالی است که در هرتابرلین بسیار خوب کار می کند و حتی خودش ابراز علاقه کرده به بایرن بیاید و جانشین بالاک شود. قطعاً در فصل نقل و انتقالات یک هافبک نامدار صاحب پیراهن بایرن می شود و نباید تصور کرد با چنین انتقالی جای کریمی در بایرن تنگ می شود. او در بسیاری از بازی ها در حالی که بازیکنانی چون دایسلر، شواین اشتایگر و زی روبرتو روی نیمکت بایرن قرار گرفته بودند خود را در ترکیب اصلی جا کرد. کریمی برای اینکه هافبک اول بایرن باشد راه بسیار دشواری پیش رو دارد و شاید هیچ گاه به این نقطه نرسد اما در اینکه او یکی از بازیکنان مورد نظر ماگات است نباید شک داشت و بازی های خوب او در این فصل حضور او را در بازی های فصل آینده تضمین کرده. شاید کریمی جانشین بالاک نشود ولی او شانس زیادی برای حضور در هافبک چپ یا راست و حتی مهاجم نفوذی دارد.

عکس: فرهاد کاوه، شرق

نگاه

شهر بازی

افشین قطبی*

فوتبال شاید آینه ای از زندگی باشد. مثل یک حرکت تند و مانند آن چه در یک «شهر بازی» و با ماشین های سریع السیر آن جریان دارد. کسانی که در ماشین ها و دستگاه ها نشسته اند هر لحظه در انتظار واقعه ای غیرمنتظره هستند و فوتبال هم می تواند در بالاترین سطح خود چیزی مثل آن باشد. فوتبال های کند و آرام باید بروند و جای خود را به بازی های سریع و تند بدهند. مثل آن چه در یک شهر بازی جریان دارد. تکنولوژی هم طی این سال ها پیشرفت زیادی کرده است و همین مسئله بر شئون مختلف زندگی اثر زیادی گذاشته و فوتبال هم مستثنی از قاعده نیست و گاهی با دیدن فوتبال های خوب نیز حس می کنید که زندگی کنونی چقدر عوض شده است. فوتبال در آستانه جام جهانی هجدهم در معرض یک آزمون تازه قرار گرفته است و نمایش تیم های مختلف در طول این جام ما را به باورهای تازه ای خواهد رساند. این روزها فوتبال واقعاً به یک مسئله بسیار پیچیده و برنامه دار تبدیل شده است و همراه با هر تیمی می توانید یک گروه مربی و کارشناس و نفرات و اعضای حمایت کننده را ببینید. هر بازی مهمی بسان یک رویداد عظیم در سطح جهان پخش می شود و توجهی عظیم به آن مبذول می گردد و رسانه ها از هر جهت به آن می پردازند. اینجا است که باید به این نتیجه برسیم فوتبال به چیزی کاملاً متفاوت با گذشته بدل شده است و دیگر نمی توان به چشم سابق به آن نگاه کرد. تیم های بزرگ و معروف تاثیر عظیمی بر جامعه و کشور خود می گذارند و مسائل فرهنگی را نیز تغییر می دهند. یک نمونه روشن و بالنسبه تازه، کار عظیمی است که تیم ملی کره جنوبی در جام جهانی ۲۰۰۲ در خاک خود صورت داد و توانست تا نیمه نهایی پیش بتازد و در نهایت چهارم شود. آن برد، جامعه کره را عوض کرد و چنان شور و اشتیاق ملی ای را به وجود آورد که نمی توان آن را وصف کرد و به تصویر کشید. با این حال فوتبال مدرن خصلت های خاص خود را دارد و نمی توان از برخی ایرادهای آن نیز بی تفاوت گذشت. بیش از حد دفاعی بودن تیم ها یکی از این خصلت ها است. بازیکنان کمتر ریسک می کنند و همه چیز براساس کار فشرده گروهی صورت می پذیرد و قابلیت های فردی کمیاب شده است. تعداد گل ها دائماً کمتر می شود و خطوط دفاعی پرشمارتر و لایه های دفاعی ضخیم تر می شوند و کار به جایی کشیده است که اکثر مهاجمان از عهده این خطوط بر نمی آیند و در مواجهه با آن مشکل دارند.

■تدابیر موثرتر

شاید تاکتیک ها و روش های دفاعی بر همه چیز حکم براند. اما در عین حال تدابیر تیم ها برای اجرای حملات موثرتر و داشتن حرکات زیباتر به سمت جلو نیز وارد بخش و مقطع تازه ای شده است و برخی اندیشه های مدرن نیز در حرکات تیم ها دیده می شود که جای تقدیر دارد. آنها می نشینند و ماه ها راجع به این که چه باید کرد تا سریع تر و بهتر به مقصود و دروازه رقبا رسید طراحی و برنامه ریزی می کنند و گاهی به راه های جالبی هم دست می یابند و به طرقی مدرن نایل می شوند. هرچه هست روش های گذشته و کهن دیگر کارایی سابق را ندارند و باید کنار گذاشته شوند و کار و تلاش تیم ها برای یافتن راه های فوق و عبور از موارد گذشته نیز در همین راستا و با چنان هدفی صورت پذیرفته است و همین تلاش ها است که به کامل تر شدن هرچه بیشتر فوتبال و تبدیل شدن آن به پدیده ای که می شناسیم، کمک کرده است. کوشش کره ای ها برای رسیدن به حد و حدودی ناشناخته طی جام جهانی گذشته به رهبری گاس هیدینک هلندی نمونه و بخشی از این آرمان گرایی های مدرن و ورزشی بود. مردم کره نیز استقبال عظیمی از این روند صورت داده اند. در نگاه نخست جنگندگی و کوشش تا آخرین لحظه سلاح اول کره ای ها بوده است، اما اگر دقیق تر شویم، می بینیم که هر یک از حرکاتشان در زمین حساب شده و تابع برنامه بوده است و این را می شد طی ایام جام جهانی به وضوح دید و به این می گویند پیشرفت علم و ورزش در بالاترین سطح آن. بازیکنان فوتبال باید ذاتاً و شخصاً این برداشت و غریزه و فکر قوی را داشته باشند که بتوانند در هر لحظه طی یک مسابقه بهترین تصمیم گیرنده ها باشند و در قبال هر اتفاق و هر توپی که به سمت شان می آید، سریعاً بهترین کار را صورت دهند. نقش مربیان نیز در این روند بسیار بالا است و آنها هستند که به بازیکنان خود و شاگردان شان خط می دهند. شاید چیزهایی که ما اینک در صحنه فوتبال می بینیم، به کلی متفاوت با مسائل به ظاهر زیباتر گذشته باشد. اما هرچه هست فوتبال تغییر یافته و پیچیده تر و دشوارتر شده است و این را باید پذیرفت. فوتبال اینک یک پدیده جهانی است که باید به تدریج و به مرور زمان کامل تر شود و اگر قرار باشد اثر گذشت زمان بر آن مشخص نباشد و نیاز به پیشرفت در آن حس نشود جزیی از زندگی مدرن امروز نخواهد بود. چنین نیازی پیشرفت های اخیر را موجب گشته و در غیر این صورت ورزش از سایر امور زندگی و پیشرفت های آن دور خواهد ماند و هیچکس در عرصه این ورزش به هیچ جا نخواهد رسید.

■پایان یک عصر

در اوایل قرن بیست و یکم باید هم مربیان و روندهایی را داشته باشیم که فوتبال را به شرایط کنونی بکشانند. عصر بازی های حسی و غریزی و فاقد بنیان های علمی و گروهی گذشته است. وقتی می بینیم که یک فوج از پزشکان و روانکاوان تیم های ورزش را همراهی می کنند، بدیهی است که باور آوریم ورزش به مدارجی ناشناخته رسیده است؛ مدارجی که در آن هر چیزی قابل دستیابی است و فقط باید برنامه داشت و طبق آن عمل کرد. امروزه نقش رسانه ها در پیشرفت فوتبال نیز به حد و حدودی بی سابقه رسیده است. کافی است یک تیم بزرگ در یک میدان مهم بد کار کند تا رسانه ها و مطبوعات آن را به شدت بکوبند و آثار تخریبی آن بر اینگونه باشگاه ها غیرقابل وصف است. مربیان بزرگ حتی یک لحظه هم از دخالت ها و نظرات مخالف رسانه ها مصون نیستند و فقط کار و تلاش بیشتر است که می تواند اسباب پیشرفت فنی تیم ها را فراهم آورد و آنها را از چنان دخالت ها و مسائل آزاردهنده ای دور نگه دارد. جامی که پیش رو داریم و ۳۲ تیم برگزیده دنیا را گردهم می آورد، میدانی است برای به نمایش گذاشته شدن تمام این موارد. «شهر بازی» در راه است. با آن ماشین های تند که وقتی روی ریل سرعت می گیرند، کسانی که در آن نشسته اند جیغ می کشند و بیرونی ها هر لحظه احتمال می دهند که چند نفر به آسمان پرتاب شوند و کارشان تمام شود. به این می گویند فوتبال مدرن!

*مربی تیم ملی کره جنوبی

منبع: Football media